

کتاب از نشر نگاه معاصر
فرهنگ و تمدن

آرامی‌ها

و نقش آن‌ها در خاور نزدیک



زهرا میراشه - مسعود داودی

آرامی‌ها

و نقش آن‌ها در خاور نزدیک

نگارخانه
نشر نگاه معاصر

سرشناسه	: میراشه، زهرا، ۱۳۵۲ -
عنوان و نام پدیدآور	: آرامی‌ها و نقش آنها در خاور نزدیک / زهرا میراشه، مسعود داودی.
مشخصات نشر	: تهران: نگاه معاصر، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۱۸۴ ص؛ مصور.
شابک	: 978-622-6189-73-6
وضعیت فهرست‌نویسی : فیبا.	
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: آرامیان.
موضوع	: Arameans
موضوع	: خاورمیانه - تاریخ - پیش از اسلام.
موضوع	: Middle East - History - To 622
شناسه افزوده	: داودی، مسعود، ۱۳۵۵ -
رده‌بندی کنگره	: DS ۵۹/آ۴ م ۹ ۱۳۹۸
رده‌بندی دیویی	: ۹۳۹/۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۶۲۳۶۰۳

آرامی‌ها

و نقش آن‌ها در خاور نزدیک

کتابخانه
نشر نگاه معاصر

زهرا میراشه - مسعود داودی

آرامی‌ها و نقش آنها در خاور نزدیک

زهرامیرا

هیأت علمی گروه باستان‌شناسی

دانشگاه آزاد دزفول

مسعود داودی

دانش آموخته باستان‌شناسی

نگار

ناشر: نشر نگاه معاصر (وابسته به مؤسسه پژوهشی نگاه معاصر)

مدیر هنری: باسم الرسام

حروفچینی و صفحه‌آرایی: حروفچینی هما (امید سیدکاظمی)

لیتوگرافی: نوید

چاپ و صحافی: نادر

نوبت چاپ: یکم، ۱۳۹۸

شمارگان: ۵۵۰

قیمت: ۲۷۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۱۸۹-۷۳-۶

نشانی: تهران — مینی سیتی — شهرک محلاتی — فاز ۲ مخابرات — بلوک ۳۸ — واحد ۲ شرقی

تلفن: ۲۲۴۴۸۴۱۹ / پُست الکترونیک: negahe.moaser94@gmail.com

تقدیم به

فرزندان صبور و مهربانان

بهار و دانیال عزیز

فهرست

۱۳.....	□ مقدمه
---------	---------

فصل اول

۱۵.....	شناخت آرامی‌ها
۱۷.....	گسترش آرامی‌ها
۱۹.....	اجتماعات آرامی در شرق بین‌النهرین
۲۲.....	اجتماعات آرامی در فرات میانی

فصل دوم

۲۵.....	آرامی‌های نثیری
۲۸.....	از رودخانه خابور تا انحنای فرات
۳۰.....	غوزان و آزالو (بیت بخییانی)
۳۱.....	لعز کبارا
۳۲.....	آزالو
۳۴.....	حران

فصل سوم

۳۷.....	وضعیت جغرافیایی فرات میانی
۳۸.....	سنت بابلی - رسوم آرامی
۳۹.....	از حملات آشوری تا حکومت شبه‌مختاری

- ۴۱.....تهدیدات قبایل طغیانگر
 ۴۳.....گسترش آرامی‌ها در غرب سوریه
 ۴۴.....فرهنگ‌های بزرگ از آمانوس تا رود العاصی

فصل چهارم

- ۴۷.....ظهور اولیه آرامی‌ها در شمال غرب خاورمیانه
 ۴۸.....بیت آدینی و ائتلاف ناپایدار قدیم
 ۴۹.....مشکل مسواری (تل برسیب)
 ۵۰.....جغرافیای تاریخی بیت
 ۵۲.....بیت آدینی در امپراتوری آشوری
 ۵۲.....کار- شلمانزر
 ۵۳.....حداتو
 ۵۴.....جغرافیای تاریخی سmeal
 ۵۴.....زنحیرلی و مناطق مجاور آن
 ۵۵.....جغرافیای تاریخی بیت کباری
 ۵۶.....کولاموا

فصل پنجم

- ۵۹.....بیت اگوسی یا مملکت آرید
 ۵۹.....گوس و یاحان
 ۶۰.....سرزمین آرامی بن گوس
 ۶۱.....آترشومکی و سرزمین آرید
 ۶۲.....آرید
 ۶۴.....سلطه بر باتینا
 ۶۵.....اشتقاق آترشومکی به توسعه طلبی
 ۶۶.....ائتلاف بزرگ بر ضد زگور
 ۶۶.....متی - ایل و پایان مملکت آرید
 ۶۷.....ائتلاف سردوردوم
 ۶۸.....پیروزی آشور و پاک‌سازی آرید

فصل ششم

۷۱.....	لُغش در دوران حکومت آشورناصریال دوم و شلمانزر سوم
۷۳.....	تل اُفیس و کاوش‌های باستان‌شناسی در لُغش
۷۴.....	حکمرانی زَگُور.....
۷۵.....	واکنش سرزمین‌های مجاور به زَگُور.....
۷۶.....	ائتلاف ضد زَگُور.....
۷۷.....	نجات حزرک.....
۷۸.....	حماه - لُغش بعد از جنگ حزرک.....
۷۹.....	مملکت آرامی‌نشین حماه.....
۸۱.....	حماه بعد از زَگُور.....

فصل هفتم

۸۵.....	دمشق.....
۸۵.....	دولت‌های آرامی جنوبی، قبل از نابودی دمشق.....
۸۷.....	وضعیت جغرافیای دمشق.....
۸۸.....	حوران.....
۸۸.....	جشور و معکه.....
۸۹.....	فلسطین.....
۸۹.....	تاریخ سیاسی دمشق.....
۹۰.....	هدد عزز و اتحاد دوازده‌گانه.....
۹۱.....	جایگاه دولت شهرهای ساحلی.....
۹۱.....	دمشق و اعراب.....
۹۲.....	درگیری‌های متعدد و انحلال پیمان.....
۹۳.....	فرمانروایی حزائیل.....
۹۶.....	توسعه و گسترش آرامی‌ها به سَمَتِ جنوب.....
۹۷.....	حزائیل و مقام خدایی.....
۹۸.....	فرمانروایی برهدد.....
۱۰۰.....	معاهده و جنگ سوریه - افرائیمیه.....
۱۰۱.....	زوایای پنهان تاریخ و سکوت الواح.....

فصل هشتم

۱۰۵.....	جامعه‌شناسی آرامی‌ها
۱۰۷.....	موجودیت قبیله‌ای
۱۰۷.....	رؤسا
۱۰۸.....	دولت شهرها
۱۰۹.....	نشانه‌های بیداری قومی - نژادی
۱۱۰.....	پادشاهی در نزد آرامی‌ها
۱۱۱.....	ستایش شاه در هنر
۱۱۲.....	شاه در متون
۱۱۲.....	شاه و خدایان
۱۱۴.....	انتظارات شاهان آرامی از خدایان
۱۱۴.....	مسئولیت‌های اجتماعی - اقتصادی شاه
۱۱۵.....	شاهان تابع آشور
۱۱۵.....	رویه بر - رکیب
۱۱۷.....	مراسم تدفین شاه: نمونه مورد زنجیر

فصل نهم

۱۲۱.....	روابط اجتماعی
۱۲۲.....	نقش فرماندهان بزرگ در حکومت
۱۲۳.....	فرستادگان شاه
۱۲۳.....	ادارات و مراکز تابعه
۱۲۴.....	دستگاه قضایی
۱۲۶.....	طبقات اجتماعی
۱۲۶.....	ملاکان بزرگ
۱۲۷.....	کشاورزان و کارگران
۱۲۷.....	بردگان بدون حق
۱۲۸.....	خانواده آرامی - ساختار مرد سالار
۱۲۹.....	وضعیت زنان
۱۳۲.....	زیان آرامی

فصل دهم

۱۳۷.....	میدان جنگ و واحدهای نظامی
۱۳۸.....	رده‌های نظامی
۱۳۸.....	اسلحه در عصر آهن II
۱۳۹.....	کمان
۱۳۹.....	شمشیر
۱۴۰.....	اسب‌ها و ارابه‌ها
۱۴۱.....	اسب‌سواران
۱۴۲.....	مراکز دفاعی و حصارها

فصل یازدهم

۱۴۵.....	اقتصاد آرامی‌ها
۱۴۶.....	مشاغل آرامی‌ها
۱۴۷.....	کشاورزی
۱۵۰.....	دامپروری
۱۵۳.....	معادن
۱۵۶.....	تولید و ساخت ابزارآلات فلزی
۱۵۷.....	روابط اقتصادی آرامی‌ها
۱۶۱.....	□ سخن آخر
۱۶۳.....	□ کتابنامه
۱۶۷.....	□ فهرست اسامی
۱۷۱.....	□ فهرست اماکن
۱۷۵.....	□ تصاویر

مقدمه

در مورد آرامی‌ها و نقش مؤثر آن‌ها در خاورمیانه به لحاظ سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و... کتاب‌های زیادی نوشته شده است. آرامی‌ها تأثیر فرهنگی فراوانی در نقاط مختلف امپراتوری آشور و سپس در سرزمین‌های بابل گذاشتند. آن‌ها حکومت‌های کوچک متعددی را در سرزمین‌های مختلف به وجود آوردند؛ اما نتوانستند آن را به امپراتوری قوی و مقتدری تبدیل کنند. مهم‌ترین مرکز تجمع آن‌ها سوریه بود و دمشق را به عنوان پایتخت خود برگزیدند. آن‌ها جنگ‌های متعددی با همسایگان‌شان بخصوص یهودیان اسرائیل داشتند. خط آرامی بر خط آشوری ارجحیت یافت و آشوری‌ها به عنوان خط دوم خود جهت ثبت اسناد خود استفاده می‌کردند. همچنان‌که پارسیان و دیگر اقوام که نقش مهم منطقه‌ای داشتند از خط آرامی استفاده کردند. با توجه به این‌که آرامی‌ها بسیاری از آداب و رسوم و فرهنگ خود را به یادگار گذاشتند. آرامی‌ها در فاصله قرون چهاردهم تا دهم ق.م. در سوریه، عناصر فرهنگی مهم قومی و زبانی را بنیان نهادند و در سراسر بین‌النهرین منتشر کردند. اگرچه امپراتوری آشور در اواخر قرن هشتم ق.م. تمام حکومت را از بین برد؛ لیکن خط آرامی به عنوان خط رسمی در خاورمیانه باقی ماند. گرچه سهم آرامی‌ها در پیشبرد تمدن اندک بود، اما از نظر لغوی و زبانی و ابداع روش‌های تجاری در دنیای آن روزگار سهم عمده‌ای داشتند چرا که با انتقال افکار، تجارب و ثروت سرزمین‌هایی که با آن‌ها در ارتباط بودند، حتی قرن‌ها بعد از رشد دین مسیحیت و اسلام، این تجارب مورد استفاده قرار گرفت. اگر بخواهیم به رویدادهای تاریخ آرامی‌ها احاطه داشته باشیم می‌بایست به سرنوشت مضطرب نقش سیاسی حکومت‌های موجود در قلب تاریخ سیاسی خاورمیانه آگاهی داشته باشیم. در این کتاب سعی شده است در روشن شدن افق‌های جدیدی در جهت شناخت هویت و قومیت آرامی تلاش شود.

بررسی‌ها و اکتشافات جدید اطلاعات خوبی از آرامی‌ها در دوران پادشاهی تیگلا پیله‌سر اول به ما می‌دهد. در سال ۱۹۸۸ ترجمه کتیبه برنزی حزائیل، پادشاه دمشق، مکشوفه از جزیره سامس، منتشر شد که میزان قدرت آن پادشاه در اواخر قرن نهم ق.م. را به ما نشان می‌دهد. همچنین گزارش‌هایی موجود است که تسلط آرامی‌های مناطق در کنار ساحلی دریاچه طبریه را نشان می‌دهد. همچنین در سال ۱۹۹۱ کتیبه‌های بابلی متعلق به نیمه اول قرن هشتم ق.م. در محوطه‌ای در بخش فرات میانی کشف و منتشر شد. در این الواح اطلاعات مهمی در مورد ارتباطات و تمدن قدیمی اقوام آرامی آمده است. در کاوش‌های بیرن در تل وان فلسطین اشغالی (۱۹۹۳ و ۱۹۹۴)، قطعاتی از لوحه‌هایی به خط آرامی کشف شد که اطلاعات جدیدی در مورد پیروزی‌های حزائیل در شمال فلسطین را برایمان روشن می‌سازد. همچنین الواحی در بروکسل وجود دارد که اسنادی مربوط به قراردادهای تجاری قرن ۷ ق.م. است. اطلاعات منتشر شده از آن‌ها حاکی از رونق اقتصادی منطقه حِزّان است که بیشتر ساکنان این شهر آرامی‌ها بودند.

فصل اول

شناخت آرامی‌ها

آرامی‌ها^۱ گروهی از اقوام سامی نژاد^۲ بودند که به زبان آرامی که یکی از لهجه‌های سامی شمالی و غربی مانند کنعانی و عبری است صحبت می‌کردند. این زبان از جهات مختلف به زبان عبری شباهت داشته به طوری که سبب شده است محققین معتقد شوند که یا اصل و ریشه آرامی‌ها به جزیره‌العرب برمی‌گردد و یا این که آنها پیش از ورود به بین‌النهرین و شام، مدتی در جزیره‌العرب زندگی می‌کردند.

بر اساس شواهد و مدارک موجود این مطلب استفاده می‌شود که آرامی‌ها از صحرای شام به سرزمین هلال حاصلخیزی آمده و بین بابل و حوزه خابور و فرات و شمال سوریه تا فلسطین پراکنده شدند. منابعی که می‌توان از آنها در مورد این قوم اطلاعاتی به دست آورد شامل عهد عتیق، نقاشی‌ها و دست‌نوشته‌های آشوری و برخی کتیبه‌ها و آثار آرامی است.

در تورات اخبار زیادی راجع به آرامی‌ها آمده است که به روابط نسبی حاکم بر آرامی‌ها و عبرانی‌ها اشاره دارد. همچنین تورات تاریخ جنگ‌های بین آرامیان و یهودیان و آشوریان را از قرن هجده تا یازده ق.م. ذکر کرده و آرام را یکی از پسران (سام بن نوح) دانسته و فرزندان او را بدین ترتیب ذکر کرده است: عوص، حول، جائر، ماش^۳. بعد به ذکر سرزمین‌های «آرام النهرین» و «فران - آرام» پرداخته^۴ و سپس از

1. Aramean

2. Semitic

۴. کتاب تکوین ۱۰/۲۴.

۳. کتاب تکوین ۲۳/۲۲/۱۰.

سرزمین «آرام - دمشق» و «آرم - صوبه»^۱ یاد کرده است و در ادامه به سفر ابراهیم علیه السلام از شهر کلدانی‌ها به حِزّان و از هجرت یعقوب به سرزمین کنعان سخن به میان آورده است. در آن به جنگ‌های طولانی بین آرامی‌ها و یهودی‌ها اشاره کرده و به موفقیت‌ها و حکومت‌هایی که در مقاطع مختلف قوم آرامی تشکیل داده نیز اشاره‌هایی دارد.

در منابع آشوری از اقوام آرامی صحبت شده است. آشور نصیر پال دوم (۸۵۹-۸۸۳ ق.م) در پایان حکومتش مبادرت به تزئین معبد مامو در منطقه بالاوات (ایمکور - انلیل) نمود. صفحه‌های مرصع برنزی مکشوفه از آن یکی از قدیمی‌ترین آثار آرامی است که به دست ما رسیده است. در این صفحه‌های برنزی ارابه آشوری دو هلال کوتاه را به سمت شهر بیت یخیری می‌کشد و در آن مردانی با ریش و موی بلند، دستار و شال و کمر بندی قوی به کمر بسته‌اند. شبیه این نقوش در معبد اصلی تل حلف در کنار رود خابور در سوریه امروزی کشف شده است (تصویر دروازه بالاوات). در این نقوش تعدادی مرد که خنجر و سلاح‌های دیگری در دست دارند با چشمانی باز و درشت نشان داده شده‌اند.^۲ می‌دانیم که تل حلف مسافت زیادی با بیت یخیری ندارد و نقوش و تزئینات آن جدیدتر از نقوش و تزئینات دره‌ایی است که به دستور آشور نصیر پال ساخته شده است. مشخص است که امیر بیت یخیری و حاکم بیت بخییانی، که تل حلف (غوزان) جزئی از حاکمیت وی بوده، در سال (۸۸۳ ق.م) اقدام به پرداخت مالیات خود نمودند. چه بسا آنان همانند جنگاوران پیشین و قدیمی که دو قرن قبل از آن‌ها تیگلاد پیله سراول آن را با نام اخلامو - آرامی خوانده و افتخار می‌کرده که ۲۸ مرتبه آن‌ها را تا رود فرات دنبال کرد و شکست داد^۳، گرچه هیچ‌گونه سندی در مورد اوضاع و احوال آرامی‌ها در مناطق اخلامو، از نام و مشتقات نام آرامی‌ها قبل از زمامداری تیگلاد پیله سراول وجود ندارد، اما با این وجود نشانه‌هایی جهت تشخیص نام آرامی‌ها قبل از قرن دوازدهم ق.م. مشاهده می‌شود.

در الواح قرن سیزدهم ق.م. (عصر آهن) از قبایل حیرانو نام برده که از قبایل مشهور در دوران آشور جدید بودند. با توجه به مطالعات و تحقیقات انجام شده در زبان سامی، مشخص شده که زبان آرامی با پیشینه‌ای از قرن پانزدهم ق.م. به عنوان یکی از شاخه‌های

زبان سامی که در شمال غرب خاورمیانه رایج می‌شود. متون برجای مانده از تیگلا پیله‌سراول به چگونگی زندگی دشمنانش نمی‌پردازد و اطلاعاتی به ما نمی‌دهد. این پادشاه و جانشینانش در مورد اربابه‌های جنگی و استحکامات نظامی آرامی‌ها اطلاعاتی ذکر نکرده‌اند. همچنین مشخص ننموده‌اند که پیروزی‌های متوالی بر آرامی‌ها چه دستاوردهای بزرگ جنگی برای آن‌ها داشته است. ولی با این وجود اشاره‌هایی که در متون آن‌ها به نقاط جغرافیایی شده، بسیار حائز اهمیت است و بیانگر این بوده که این حمله‌ها به مناطقی در کنار رود فرات از بابل تا کرکمش رخ داده است.

آشوری‌ها، آرامی‌ها را در السبل الوعره در جبل البشری تا تدمر و ماورای آن به سَمِتِ کوه‌های جنوب لبنان مورد تاخت و تاز قرار می‌دادند. از دوران پادشاهی آشور-پِل-کَل (۱۰۵۶-۱۰۷۳ ق.م) مدارک نامطمئن به دست آمده که معلوم می‌سازد آرامی‌ها در حد فاصل شرق سوریه و شمال غرب بین‌النهرین سکنی داشتند^۱. همچنین در این متون به روستانشینان اموری که از اواخر هزاره سوم ق.م. (اور سوم) تا قرن هفدهم ق.م. در سرزمین خانا زندگی می‌کردند، اشاره شده است. مشخص است که اموری‌ها مدت زیادی در کنار آرامی‌ها به صورت روستایی زندگی کرده‌اند و این عامل باعث شده که نتوانند در میدان سیاسی خاورمیانه خود را نشان دهند به همین دلیل اطلاعات کافی در مورد زندگی اقوام آرامی، در زمانی (پایان عصر برنز جدید) که آن‌ها در ارتفاعاتی در سوریه و مناطقی از بین‌النهرین علیا و سفلا مستقر شدند، برجای نمانده است.

کاوش‌های باستان‌شناسی در اُدلب سوریه (عصر آهن) منجر به کشف اشیایی مانند سرامیک‌های تزئینی (عصر برنز جدید) و انبارهای بزرگ خانوادگی شد؛ اما امکان تشخیص تعلق آن‌ها به آرامی‌ها یا سایر اقوام سامی نژاد عصر آهن وجود ندارد.

گسترش آرامی‌ها

پراکندگی و گسترش اقوام آرامی در عصر آهن (قرن چهاردهم ق.م) بسیار سریع و وسیع و در زمان زمامداری تیگلا پیله‌سراول (۱۰۹۰-۱۱۱۶ ق.م) و آشور-پِل-کَل

(۱۰۷۰-۱۰۸۷ ق.م) آشوری‌ها نتوانستند از توسعه و گسترش این اقوام جلوگیری کنند. در خلال قرن بعد با مستعمرات آشور درگیری‌هایی وجود داشت که منجر به تغییر مساحت زمین‌های متصرفی می‌شد.

بعد از دوران پادشاهی نبوکد نصر اول، آرامی‌ها در بلاد بابل ساکن شدند. طبق لوحه مکشوفه از سمبار-شیحو (۱۰۰۸-۱۰۲۵ ق.م) آرامی‌ها با توجه به اوضاع اقتصادی و سیاسی موجود آن زمان با دیگر اقوام، متحد شده و اقدام به آشوب و سرقت در شهر سیپار و برخی از شهرهای جنوب بین‌النهرین کردند. برخی از قبایل آرامی در نقاط غربی و برخی در هلال حاصلخیز مستقر شدند که می‌توان به مناطقی مانند العیش، حماه، صوبا... در جنوب سوریه اشاره کرد.

البته گروه‌های دیگری از آرامی‌ها در جنوب کوه‌های توروس و غرب کوه‌های زاگرس و در بخش‌های مختلف عراق وجود داشتند. این اقوام آرامی در برخی موارد با دیگر اقوام موجود در مناطق یادشده، بدون آن‌که تشکل قوی به وجود آورند، متحد شدند. در اینجا به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. اسامی و نام اشخاص آرامی و افراد سیاسی که در متون پادشاهان آشوری آورده شده است. این اسامی مربوط به اواخر قرن دهم ق.م. است که در الواحی با محتوای اقتصادی از قرن هفتم ق.م. آمده است.

۲. متون آرامی کپه از نیمه دوم قرن نهم ق.م. ظاهر شده‌اند.

تعدادی از این اقوام دولت‌شهرهای کوچکی در غرب رود فرات به وجود آوردند که می‌توان در طول قرون مختلف از اوضاع آن‌ها خبردار شد. مطمئناً نقش مهمی در اوضاع سیاسی داشتند؛ اما حکومت‌های کوچک در بخش شرقی و شمالی بین‌النهرین هرگز با دیگر دولت‌شهرها متحد نشدند و در هیچ رویدادی مشارکت نکردند و به سختی می‌توان در مورد اوضاع و احوال آن‌ها در طول دوره‌های مختلف گزارشی تهیه کرد؛ اما اطلاعات به دست آمده از متون میخی و همچنین بررسی‌ها و تحقیقات انجام‌شده، در مورد زندگی اقتصادی و دین این قوم اطلاعات ارزشمندی به ما می‌دهد.^۱

اجتماعات آرامی در شرق بین‌النهرین

در مورد خاستگاه اصلی اقوام آرامی اطلاع دقیقی وجود ندارد اما نظرات متفاوتی در مورد این موضوع وجود دارد. برخی بر این باورند که آرامی‌ها بخشی از سامیانی هستند که در جنوب بین‌النهرین بودند و به سمت شمال فرات مهاجرت کردند. برخی از صاحب‌نظران بر این عقیده‌اند که مهاجران ابتدا به سمت مناطق شمالی و بعد از عبور از مرزهای غربی سوریه به سمت مناطق حاصلخیز رودخانه فرات و بعد به سمت سرزمین‌های مصر و کنعان مهاجرت کردند. همچنین نظری وجود دارد که آرامی‌ها از شبه جزیره عربستان به سمت سرزمین‌های شرقی یا شمالی و... مهاجرت کردند. از طرفی در کتیبه‌های سلسله اول مصر (حدود ۳۱۰۰ ق.م) به مهاجرت اقوامی به نام ستیو^۱ اشاره شده است.

با توجه به نظرهای متفاوت در خصوص خاستگاه آرامی‌ها به نظر می‌رسد گسترش و پراکندگی آن‌ها در تمامی خاورمیانه بوده است که موجب ایجاد بسیاری گرفتاری‌ها و مشکلات شدند. همچنین به طور دقیق و یقین نمی‌توان چگونگی و تاریخ زمان سکونت آن‌ها در مناطق واقع در بخش‌های شرقی رودخانه دجله، مناطق بین بابل و عیلام تا نزدیکی رودخانه اوقنو (کرخه) را مشخص نمود. البته به درستی می‌دانیم که در سال ۸۱۴ ق.م. آرامی‌ها در جنگ دور-بابسوکل، بین پادشاه بابل مردوک - بلاطسو - ایگی و شمش ادد پنجم (۸۲۴-۸۱۰ ق.م) کمک‌های نظامی کردند^۲ و در این نکته شکی وجود ندارد که در کلدانی‌ها و عیلامی‌ها نیز تأثیر داشتند. از قرن هشتم ق.م. آرامی‌ها بخش مهمی از ساکنان بین‌النهرین جنوبی را تشکیل دادند و در کنار سومری‌ها، اکدی‌ها و کلدانی‌ها زندگی می‌کردند و تشابهات زیادی به همدیگر داشتند.

تا قرن هفتم ق.م. به جز در متون خط میخی از آرامی‌ها اطلاعی نداریم. تیگلاد پیله-سر سوم (۷۴۵-۷۲۷ ق.م)، (تصویر) از ۳۵ قبیله‌ای که در کنار سواحل رودخانه‌های دجله و فرات ساکن بودند، نام می‌برد. وی با افتخار از جنگ و پیروزی بر آن قبایل یاد می‌کند که در آغاز هفدهمین سال زمامداری او در سال ۷۲۸ ق.م.

اتفاق افتاده است. این پادشاه در سطرهای اندکی از این شکست خوردگان نام می‌برد. مدارکی در دست است که آرامی‌ها از جنگ‌هایی که سارگن دوم (۷۰۵-۷۲۲ ق.م) و سناخریب (۶۸۱-۷۰۵ ق.م) در مقابل کلدانی‌ها داشتند سود می‌بردند.

می‌توان تصور کرد که آرامی‌ها تلاش فراوانی برای تشکیل حکومت کلدانی انجام دادند ولی بدون مشخص نمودن تاریخ آن‌ها و زمان تشکیل دولت شهرهای کوچک‌شان موضوع گمراه‌کننده خواهد بود. ولی سکوت در مورد آن‌ها موجب ایجاد شک و شبهات در مورد این قوم خواهد شد. چرا که حضور آن‌ها در سرزمین‌های تابع بابل به لحاظ جمعیتی و اقتصادی بسیار با اهمیت بود. اهمیت این اقوام تا جایی بود که بعد از انقراض حکومت‌های بزرگ آشور و بابل در پایان قرن هفتم و ششم ق.م. باعث شدند آشوری‌ها و بابلی‌ها صحنه سیاسی را ترک کنند و در بین اقوامی که بر سرزمین بین‌النهرین مستولی شدند، ذوب شوند، اما آرامی‌ها با حفظ زبان، خط و عادات خود همچنان نسل‌های متمادی در منطقه حضور داشتند. گروهی دیگر از آرامی‌ها وجود داشتند که بر ضد حکومت آشور عصیان و تمرد کردند. در دوران پادشاهی آشوربانیپال (۶۲۶-۶۶۸ ق.م) عیلامی‌ها با قبایلی با نام کمبولو متحد شدند. متونی از آشوربانیپال به دست آمده که مضمون آن‌ها شکنجه و عذاب شدیدی است که به سرکرده قبیله دونانو و یاران او وارد آورده و پیروزی‌هایی که بر تیومان به دست آورده است. در مورد دیگر عصیانگران (مانند ایزوری‌ها و ایطوری‌ها در دوران یونان و روم) حکومت‌های آرامی‌ها راهزن محسوب می‌شدند. متن مشهوری از دوران فرمانروایی سارگن دوم وجود دارد که آرامی‌ها را در زمره سیاهان و رویاهان قرار داده و آن‌ها را مسئول عدم امنیت معرفی کرده که به شرح ذیل است:

راه‌های مسیر که به سَمَتِ (...) بابل محل اقامت خداوندگار انلیل است ناامن و جاده‌اش جهت تردد، حمل و نقل سخت (...) است جاده‌هایش با گیاهان خاردار پوشیده شده است. سیاهان و رویاهان همچون گوسفندان به رفت و آمد و رقص می‌پرداختند و آرامی‌ها و سوتی‌ها که در چادر زندگی می‌کردند و فراریان، مجرمان و راهزنان که در بیابان چادر می‌زدند و مانع حرکت رهگذران می‌شدند.

اما در مورد مکان‌های شخم‌زده (زیر کشت) که دارای حصار نبودند و به وسیله تارهای عنکبوت پوشانده شده بودند و زمین‌های حاصلخیز کشاورزی که تبدیل به اراضی متروکه و (بایر) شدند و صدای آوازی از دروکنندگان اراضی کشاورزی شنیده نمی‌شد و هیچ دانه‌ای در آن اراضی رویش نیافت ... پس من تمام آن گیاهان را از بین بردم و علف‌ها و خارها را سوزاندم و با سلاحم به دنبال آرامی‌ها آن فرزندان راهزنان تاختم و کشتارگاهی از آن مگسان سیاه ساختم...

متون فراوان دیگری مانند این متن از دوره‌های مختلف به دست آمده که از آرامی‌ها به عنوان سلاله راهزنان و قطاع‌الطریق یاد می‌کند که بدون شک اساس تاریخی درستی ندارد؛ اما آنچه سومری‌ها در مورد بربریت اموری‌ها گفته‌اند و ادعای سارگن در متون دیگر، به واقعیت نزدیک‌تر است. متونی از قرن‌های هشتم و هفتم ق.م. در شهر نیپور (نفر) یافت شده که از آرامی‌ها با کمال احترام یاد کرده است. آرامی‌ها با فرهنگ شهری درآمیخته و در کار تجارت در مناطقی چون فرات میانی تا مناطق امپراتوری آشور فعالیت داشتند، کاروان‌های تجاری‌شان در مناطق مختلف در حرکت بودند. در این متون پادشاهی که در مورد فقودی‌ها است از آن‌ها با کینه یاد شده و از مکان مقدس سومری که برای گردهمایی مذهبی استفاده می‌شد، نام برده شده است.^۱

کتیبه دیگری از آن زمان وجود دارد که بیانگر بروز آشوب‌هایی است که در شهرهای صور و صیدا به وجود آمده و تیگلاد پیله سر سوم سعی در آرام کردن اوضاع داشته است. در این متن آمده ایتوبی‌ها که فقرا و بیچارگانی بودند در فینیقیه سکونت داشتند. ایتوبی‌ها اولین نام در فهرست قبایلی بودند که تیگلاد پیله سر آن‌ها را قلع و قمع کرد. این اقوام همچون دیگر همسایگان‌شان در آغاز قرن نهم ق.م. طعم رفتارهای خشونت‌آمیز و ویرانگر آشوری‌ها را چشیدند. اوضاع در مناطق غربی کرکمیش برای ما روشن نیست چرا که قبایل دیگری از آرامی‌ها وجود داشتند که بین حثی‌ها ساکنان فرات و سرچشمه‌های رودخانه‌های العاصی و امانوس نفوذ و ساکن شوند. پیروزی متحدان آرامی‌ها یعنی کلدانی‌ها (بابل نو) در ربیع آخر قرن هفتم ق.م. (۶۱۲ ق.م) باعث ایجاد حالت عدم اطمینان، در آرامی‌های ساکن در بین‌النهرین جنوبی شد.

اجتماعات آرامی در فرات میانی

هشدارهای جاه طلبانه آشوری‌ها باعث ایجاد مجالی جهت ورود دولت‌های کوچک آرامی‌ها در صحنه سیاسی شد. پادشاهان آشوری توانستند بر جزیره که بخش وسیعی از مرزهای شرقی امپراتوری آشوری را تشکیل می‌داد مسلط شوند. این منطقه از جنوب و غرب با فرات میانی و از شمال با کوه‌های کردستان هم‌مرز است؛ که ما آن را بین‌النهرین علیا نام‌گذاری کردیم. امپراتوری آشوری بر آن منطقه سیطره یافت و در منطقه فرات غربی حثی‌ها را محاصره کرد. اقوام آرامی که در بین این دو دولت قرار داشتند تحت تأثیر قرار گرفتند؛ اما محدوده اراضی آرامی در بین‌النهرین علیا کاملاً واضح و روشن نیست. البته برخی مرزها وضوح بیشتری نسبت به دیگر مناطق دارند. آشوری‌ها در شمال شرقی بین‌النهرین در ساحل چپ دجله دیوار جداکننده‌ای جهت جلوگیری از نفوذ آرامی‌ها به شهرهای بزرگ آشور ایجاد کردند ولی هیچ شهر آشوری از بخش جزیره منفصل و جدا نشد. به جز شهرها، آرامی‌ها در بیابان هم سکونت داشتند ولی شهرهای آشوری مطلوب و دلخواه آرامی‌ها. امپراتوری حوری میانه در دوران برنز میانی توانستند نفوذ خود را در قلب امپراتوری آشور توسعه دهد؛ اما در عصر آهن I آرامی‌ها نتوانستند به چنین نتایجی دست یابند. در جنوب شرقی جزیره، سرزمین‌های بابلی واقع بود که آن هم دستخوش تحولات شد اما توانست هویت خود را نگه دارد و در دوره شکوفایی آشوری‌ها مرزهای آن در طول فرات تا شهر دور کوری گلزو (عقرقوف امروزی) گسترده شده بود.

در بالای منطقه عقرقوف رودخانه فرات تقریباً مرزهای جنوبی منطقه را مشخص می‌کند. قبایل آرامی در دوسوی رودخانه ساکن شده بودند؛ اما در مورد مرزها و محدوده کشتزارهایشان اطلاع دقیقی نداریم؛ اما می‌دانیم که منطقه آرامی‌نشین بیت‌آدینی در پیچ و خم‌های بزرگ فرات واقع بود. آن‌ها در ساحل غربی فرات در منطقه کرکمیش (جرابلس در جنوب ترکیه) قرار داشتند در بالای بیت‌آدینی و در ارتفاعاتی که به طور دقیق نمی‌توانیم محدوده آن را مشخص کنیم، شهرهای هیتی‌های جدید، شهر کوموخ (شمشاط امروزی) و میلید (ملاطیه امروزی) خارج از نفوذ و رخنه آرامی‌ها بودند. متون آشوری به منطقه‌ای نامعلوم از نظر سیاسی با نام

نئیری در شمال سرزمین‌های بین‌النهرین بین دجله و فرات اشاره می‌کنند. این نام در زمان پادشاهی توکولتی نینورتا اول (۱۲۱۸-۱۲۵۵ ق.م) منطقه خانیکالبات در جنوب نئیری واقع بود و اورارتو در قسمت شمالی آن واقع شده بود. ارتش آشور علاقه‌مند به تصاحب سرزمین‌های حاصلخیز واقع در شمال جزیره بود و بدون شک در دوره آشور میانی لشکریان از آبادی‌های واقع در مسیر شهرهای مرزی شمالی عبور می‌کردند.^۱ مسیری مستقیم بین آشور و مستعمرات گتلیمو در خابور سفلا قبل از تلاقی به فرات شناسایی شده است؛ اما نمی‌دانیم که آشوری‌ها از این مسیر بعد از قرن دوازدهم ق.م. استفاده می‌کردند یا خیر؛ اما در قرن نهم ق.م. نشانه‌های جدیدی از فاتحان آشور به دست آمده است که از این مسیر برای تجاوزات‌شان به شمال منطقه نئیری استفاده کردند. آن‌ها از جهت شمال به سمت رود خابور در مسیر صحرای ثرثار به موازات ساحل غربی رود دجله ... حرکت می‌کردند و این مسأله برای لشکریان آشوری که قصد تصرف و در اختیار گرفتن شهرهای آرامی را داشتند مهم بود.

اجتماعات و سکونت‌گاه‌های آرامی‌ها در منطقه فرات برای بابلی‌ها حیاتی بود. هنگامی که آشوری‌ها بخش‌هایی از سرزمین‌های بابلی را تصرف می‌کردند، آنان مسیرهای جنوبی را برای خود برمی‌گزیدند و از راه‌های بی‌شمار دیپلماسی و حتی نظامی جهت پیشبرد اهداف‌شان استفاده می‌کردند؛ اما اگر به نئیری می‌رسیدند به منابع فراوانی دسترسی داشتند. چرا که منابع موجود در غوزان (تل حلف) حوزیرینا (سلطان تپه در بالیخ شمال حرّان) و دیگر نقاط ... باعث دسترسی مستقیم به ثروت دولت‌های هیتی جدید و فینیقی‌ها می‌شد.^۲